حکمت

امام صادق(ع):
مکارم الاخلاق، ص ۲۱۶

خَیْرُ الرِّجالِ مِن اُمَّتِی الَّذینَ لا یَتَطاوَلونَ عَلی اَهلیهِم وَ یَحِنُّونَ عَلَیهِم وَ لا یَظلِمونَهُم؛
بهترین مردان امت من کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن نباشند، اهانت نکنند، دلسوزشان باشند و به آنان ظلم ننمایند.

دریچه

چرخش اتفاقات جهان بر محور زنان

جهان در سال جدید اتفاقاتی را از سوی جنس خاصی تجربه می‌کند که فارغ از سن و طبقه اقتصادی برای حذف تبعیض‌های جنسیتی، خواهان دیده‌شدن است. زنان، این جمع کلمه زن که این روزها برخلاف فرد، تصویر عینی و اجتماعی آن را در کنش‌های جمعی می‌بینیم؛ جمعی که بر همه تفاوت‌ها و خط‌کشی‌ها فائق آمده و در اولین بستر، خواهان دیده شدن و بها گرفتن است.

هر زن اجتماعی در عصر حاضر تلاش می‌کند به‌قدر حضورش تاثیرگذار باشد و به پشتوانه تاثیرش خواهان تفاوت است، اما مطالبه این خواسته کنش‌های متفاوتی را دربرگرفته است. جمعی برای این مطالبه، راه خشم در پیش گرفتند و جمعی دیگر که از قضا فرهیخته، صاحب منصب علمی و اجتماعی، فعال اقتصادی و حتی دارای سابقه سیاسی بودند براساس تجربه سایر زنان به‌جای بروز خشم تصمیم گرفتند از در بروز و نمود توانمندی‌ها وارد میدان عمل شوند.

در کشورهای اسلامی اما حوزه زن به واسطه حضور زنان تاثیرگذار در سایر ادیان الهی و تاثیرگذاری حضرت زهرا(س) بر پیامبر(ص) و پایه‌گذاری دین اسلام از اهمیت متفاوت‌تری برخوردار است. در ایران اما موضوع کمی متفاوت‌تر خواهد بود، چراکه از منظر رهبر یک کشور اسلامی، مدام بر جایگاه و نقش سازنده زنان تاکید می‌شود و اولویت‌های تربیتی در حوزه جامعه از صدر تا ذیل تاثیرگرفته از حضور زن مطرح شده است.

رهبر معظم انقلاب بارها در مورد حساسیت حوزه زنان به مسئولان تاکید کرده‌اند تا آنجا که به‌وضوح مطرح می‌کنند زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند که تربیت‌کننده نیمی دیگر هستند و معتقدند: «آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش‌های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را این‌گونه آفریده. اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفت‌کاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته‌رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است.»

اگر قرار است ملاک ارزشمندی هر انسان فارغ از جنس، میزان و نوع تاثیرگذاری بر جامعه باشد، میزان و معیار مشخص خواهد بود. در این تفکر اگر زن بخواهد صاحب امتیاز و رتبه باشد باید عملی قابل بها انجام داده باشد نه صرف این‌که سرمایه‌گذاری کلانی داشته یا تحصیلات دانشگاهی متفاوتی را طی کرده است؛ نه. زنی که بتواند حتی از اندک داشته و آموخته خود برای برداشتن باری از روی جامعه، حذف آسیبی از کشور، قدرت امیدی برای نسل جدید یا ایده‌ای برای برون‌رفت از بحران داشته باشد زن تاثیرگذار به‌شمار می‌رود.

با این معیار دغدغه‌ها و مشکلات ملی با یک سطح نیاز سنجیده می‌شود و نیازهای بین‌المللی در سطح دیگری قرار می‌گیرد. زنی که در عرصه خانواده، شهر، استان و کشور تاثیرگذار باشد عملکردی دارد که با زن تاثیرگذار بین‌المللی متفاوت است. با این نگاه مادری که می‌تواند نسل جدید موفق تربیت کند، باری از روی دوش همسر بردارد، آسیبی از منطقه یا شهر خود حذف کند، تاثیرگذار ملی است و بانویی که با نگاه کلان برای کمک به جهان قدم در عرصه علم، اقتصاد، سیاست و حتی فرهنگ می‌گذارد هم بانوی تاثیرگذار بین‌المللی است.

زنان در یک کلام این روزها ثابت کرده‌اند با جمع تجربه‌های‌شان نه تنها می‌توانند یک کشور، بلکه تمام رخدادهای یک جهان را ترسیم کنند و تغییر دهند.

روایتی از رشادت‌های یک بانوی ایرانی

زنان تاثیرگذار زیادی در گوشه و کنار این مملکت حضور دارند که برخی شناخته شده‌اند و برخی دیگر نه!

فرنگیس و روایت رشادتش را کم و بیش شنیده‌ایم؛ بانویی کرمانشاهی که با دو سرباز عراقی بدون داشتن سلاح گرم، درگیر شده، یکی را کشته و دیگری را با تمام تجهیزات جنگی اسیر می‌کند و به مقر فرماندهی ارتش ایران تحویل می‌دهد. تنها اسلحه فرنگیس در این نبرد یک تبر است!

مهناز فتاحی، نویسنده کتاب «فرنگیس» وقتی می‌خواهد از شکل‌گیری ایده نوشتن این کتاب بگوید، این‌گونه روایت می‌کند: «همیشه وقتی تندیس زنی تبر به دست را کنار پارک شیرین کرمانشاه می‌دیدم، با خودم فکر می‌کردم کاش بتوانم یک روز این زن قهرمان را از نزدیک ببینم و با او حرف بزنم. می‌گفتند فرنگیس در روستایی نزدیک گیلانغرب زندگی می‌کند و مایل نیست خاطراتش را تعریف کند. می‌دانستم نوشتن خاطراتش سخت خواهد بود اما همیشه به نوشتن‌اش فکر می‌کردم. روستا حداقل سه ساعت و نیم تا کرمانشاه فاصله داشت و رفت و آمد به این روستا برای یک زن نویسنده، سختی‌های زیادی داشت.»

وی می‌افزاید: «مدت‌ها دیدن فرنگیس آرزویم بود تا این‌که از طریق یکی از دوستان شماره تلفن و نشانی‌اش را پیدا کردم. همراه همان دوست و خانواده‌ام به سمت روستای گورسفید راه افتادیم و ظهر به خانه‌اش رسیدیم. از دیدن فرنگیس احساس غرور کردم. قدبلند و ایستاده‌قامت، با دست‌هایی بزرگ و قلبی مهربان؛ خیلی باابهت‌تر از تندیس‌اش. مردم درست می‌گفتند فرنگیس نمی‌خواست مصاحبه کند. دوست نداشت از او فیلم و عکس تهیه بشود. آن قدر طی سال‌ها از او عکس و فیلم گرفته بودند که خسته شده‌بود. می‌گفت این همه عکس و فیلم که چه بشود؟»



کتاب فرنگیس در ۱۲ فصل تنظیم شده که با یک مقدمه شروع می‌شود و پایان بخش آن «کلام آخر» است.

این کتاب تقریظ رهبر معظم انقلاب را به همراه داشته‌است. رهبر انقلاب در تقریظ‌شان درباره این کتاب نوشته‌اند: «بخش ناگفته و با اهمیتی از حوادث دوران دفاع را، به مناسبت شرح‌حال این بانوی شجاع و فداکار، در این کتاب می‌توان دید. بانو فرنگیس دلاور با همان روحیه استوار و پرقدرت و با زبان صادق و صمیمی یک روستایی و با عواطف و احساسات رقیق و لطیف یک زن با ما سخن گفته و منطقه ناشناخته و مهمی از جغرافیای جنگ تحمیلی را، با جزئیاتش، به ما نشان داده‌است. ما از روستاهای مرزی در دوران جنگ و مصائب فراوان آنان و آوارگی‌ها و گرسنگی‌ها و خسارت‌های مادی و ویرانی‌ها و داغ عزیزان آنها هرگز به این وضوح و تفصیلی که در این روایت صادقانه آمده‌است، خبر نداشتیم و نیز از فداکاری جوانان آنان که در شمار اولین شتابندگان به مقابله با دشمن مهاجم بودند. ماجرای قتل و اسارت دشمن به دست این بانوی دلاور هم که خود یک داستان مستقل و استثنایی است که نظیر آن فقط در سوسنگرد، در همان اوان، اتفاق افتاده‌بود.

بانو فرنگیس را باید بزرگ داشت و از نویسنده کتاب، خانم فتاحی، به خاطر قلم روان و شیوا و هنر مصاحبه‌گیری و خاطره‌نویسی، باید بسیار تشکر کرد.»

این کتاب سال ۹۴ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد. همچنین سال ۹۵ بخش‌هایی از کتاب که مربوط به دوران کودکی فرنگیس بود، به صورت جداگانه در یک کتاب مختصر با عنوان «بچه‌های آوه‌زین» توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد.

فلسفه حجاب بالا بردن ارزش زن است

حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده‌است. زن، با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته‌است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد دست و پنجه نرم کند، از عهده زور بازوی مرد برنمی‌آید. از طرف دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته‌است که خلقت در وجود مرد نهاده تا او مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار گیرد.

وقتی زن مقام خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همان‌طور که متوسل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد. دانست که نباید خود را رایگان کند بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و درنتیجه مقام و موقع خود را بالا برد.

به طورکلی رابطه‌ای است میان فراق از یک طرف و عشق و سوز و گرانبهایی از طرف دیگر، همچنان‌که رابطه‌ای است میان عشق و سوز از یک طرف و میان هنر و زیبایی از طرف دیگر؛ یعنی عشق در زمینه فراق‌ها می‌شکفد و هنر و زیبایی در زمینه عشق رشد و نمو می‌یابد.

یکی از مجلات زنانه از آلفرد هیچکاک - که به قول آن مجله به حسب فن و شغل فیلمسازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد - نقل می‌کند: «من معتقدم زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پرآنتریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری وادارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهد.»



استاد مطهری، مسأله حجاب، ص ۶۷-۶۲، با تلخیص